

قانون تجارت

و ورشکستگی بعضی از شرکاء لازمه قانونی باورشکستگی شرکت ندارد ولی ورشکستگی بعضی از شرکاء ممکن است باعث انحلال شرکت شود زیرا در صورتیکه احد از شرکاء نتواند دیون خود را بپردازد و سهم او از منافع شرکت کافی برای تأدیه آن نباشد دائین شریک مزبور می‌توانند طبق ماده ۱۲۹ انحلال شرکت را تقاضا نمایند (اعم از اینکه شرکت برای مدت محدود یا غیرمحدود تشکیل شده باشد) تقاضای مذکور باید شش ماه قبل بوسیله اظهارنامه رسمی با اطلاع شرکت برسد و اگر در چنین موردی سایر شرکاء مادام که حکم نهائی انحلال شرکت صادر نشده دیون شریک مزبور را بپردازند یا بترتیب دیگری جلب رضایت دائین مزبور را بنمایند یا آنکه طبق ماده ۱۳۱ سهمی آن شریک را از دارائی شرکت نقداً تأدیه کرده و او را از شرکت خارج کنند دیگر انحلال شرکت مورد پیدا نخواهد کرد و نیز ممکن است که در صورت تحقق امر ورشکستگی مدیر تصفیه طبق ماده ۱۲۸ تقاضای انحلال شرکت را بنماید ولی در اینصورت انحلال شرکت موکول بر این است که مدت شش ماه از تاریخ تقاضای مزبور گذشته و شرکت مدیر تصفیه را از تقاضای انحلال منصرف نکرده باشد

اثر فوت و محجوریت هر یک از شرکاء

غالباً اثرات فوت شریکی نسبت بانحلال یا ابقاء شرکت در شرکتنامه قبلاً پیش بینی میشود ولی هرگاه شرکتنامه راجع باین موضوع ساکت باشد ماده ۱۳۹ مقرر داشته است که در صورت فوت یکی از شرکاء بقاء شرکت موقوف بر رضایت سایر شرکاء و قائم مقام متوفی خواهد بود

حال اگر بعد از انحلال شرکت کسانی باشند که از شرکت طلبکارند و هم اشخاصی باشند که از شرکاء مطالباتی دارند در چنین موردی در وجه اول قاعده کلی باید رعایت شود بعداً اگر دارائی شرکت برای پرداخت قروض آن کفایت نکند طبق ماده ۱۲۶ دائین شرکت برای وصول بقیه طلب خود مراجعه به دارائی انفرادی شرکاء بنمایند ولی حق تقدم بر طلبکاران شخصی شرکاء نخواهند داشت یعنی با آنها شانه بشانه و در یک ردیف خواهند بود

دائین شخص شرکاء در هیچ موردی نمیتوانند برای وصول مطالبات خود به دارائی شرکت مراجعه کنند لیکن با اجازه ماده ۱۲۹ می‌توانند نسبت به سهمیه مدیون خود از منافع شرکت یا سهمی که در صورت انحلال شرکت ممکن است بعدیون مزبور تعلق گیرد هر اقدام قانونی که مقتضی باشد بنمایند بنابراین با مقررات مذکور در فوق بهتر است دیون موردی پیدا نمیکند خاصه آنکه ماده ۱۳۰ مقرر داشته است که نه مدیون شرکت میتوانند در مقابل طلبی که ممکن است از یکی از شرکاء داشته باشد استناد بهتر کنند نه خود شریک میتوانند در مقابل قرضی که ممکن است طلبکار او بشرکت داشته باشد بهتر استناد نماید مذلک کسی که طلبکار شرکت و مدیون یکی از شرکاء بوده و پس از انحلال شرکت طلب او لاوصول مانده در مقابل آن شریک حق استناد بهتر خواهد داشت

اثر ورشکستگی شرکاء نسبت بانحلال و ابقاء شرکت

اصل کلی که در ماده ۱۲۸ ذکر شده آنست که ورشکستگی شرکت ملازمه قانونی باورشکستگی شرکاء

اگر موافق اساسنامه یا شرکتنامه باید سال بسال بحساب شرکت رسیدگی شود فسخ در موقع ختم محاسبه سالیانه بعد می آید
۷- در صورت ورشکستگی یکی از شرکاء مطابق ماده ۱۳۸

۸- در صورت فوت یا مجبوریت یکی از شرکاء مطابق مواد ۱۳۹ و ۱۴۰ قانون تجارت
شرکت مختلط غیر سهامی

مشارکت اشخاص در امور تجاری همیشه بشکل شرکت سهامی یا شرکت تضامنی نیست و ممکن است که آنها باقسام مختلفه و مسئولیتهای متفاوتی را تهدمدار شوند یعنی بعضی از آنها حاضر باشند در مقابل طلبکاران مسئولیت تضامنی بعهده گیرند و برخی فقط بسا میزان محدودی در اینصورت اشخاص مزبور شرکتی بین خود منقدهمی نمایند که قانون آنها تحت عنوان شرکت مختلط غیر سهامی شناخته است و آنها در ماده ۱۴۱ قانون تجارت باین عبارت تعریف کرده است که شرکت مختلط غیر سهامی شرکتی است که برای امور تجاری در تحت اسم مخصوص بین يك یا چند نفر شريك ضامن و يك یا چند نفر شريك بسا مسئولیت محدود بدون انتشار سهام تشکیل میشود

تشکیل این قبیل شرکت ها موکول به تنظیم شرکتنامه است بین شرکاء که بامضاء هر يك از آنها رسیده باشد وغالباً نکاتی راجع بطرز اداره کردن شرکت و راجع به کلیه امور شرکت و همچنین روابط بین شرکاء ذکر می گردد بطور کلی نکاتی که در اساسنامه شرکتهای سهامی قید میشود با جزئی اختلافاتی در شرکتنامه شرکت های مختلط غیر سهامی نیز ذکر می شود .

اسم شرکت

چنانچه ماده ۱۴۱ مقرر میدارد در اسم شرکت مزبور باید عبارت (شرکت مختلط) و لافل اسم یکی از شرکاء ضامن قید شود .

اگر سایر شرکاء ببقاء شرکت تمیم نموده باشند قائم مقام متوفی باید در مدت یکماه از تاریخ فوت رضایت یا عدم رضایت خود را راجع ببقاء شرکت کتباً اعلام نماید در صورتیکه قائم مقام متوفی رضایت خود را اعلام نمود نسبت باعمال شرکت در مدت مزبور از نفع و ضرر شريك خواهد بود ولی در صورت اعلام عدم رضایت در منافع حاصله در مدت مذکور شريك بسوده نسبت بضرر آمدت سهم نخواهد بود

سکوت تا انقضای مدت يك ماه در حکم اعلام رضایت است
اثرات مجبوریت یکی از شرکاء نیز مطابق مدلول مقررات فوق است

انحلال شرکت

- شرکت تضامنی در موارد ذیل منحل میگردد
- ۱- وقتی که شرکت مقصودی را که برای آن تشکیل شده بود انجام داد یا انجام آن غیر ممکن شده باشد
 - ۲- وقتی که شرکت برای مدت معینی تشکیل و مدت منقضی شده باشد
 - ۳- در صورتیکه شرکت ورشکست شود
 - ۴- در صورت تراضی تمام شرکاء
 - ۵- در صورتیکه یکی از شرکاء بدلائلی انحلال شرکت را از محکمه تقاضا نماید و محکمه آن دلائل را موجه دانسته و حکم بانحلال بدهد در این مورد هر گاه دلائل انحلال منحصراً مربوط بشريك یا شرکاء معین باشد محکمه میتواند بتقاضای سایر شرکاء بجای انحلال حکم اخراج آن شريك یا شرکاء معین را بدهد
 - ۶- در صورت فسخ یکی از شرکاء در این مورد فسخ شرکت در صورتی ممکن است که در اساسنامه یا شرکتنامه این حق از شرکاء سلب نشده و ناشی از قصد اضرار نباشد، تقاضای فسخ باید ششماه قبل از فسخ کتباً بشرکاء اعلام شود